



سال پنجم - شماره ی سیزدهم - زمستان ۱۳۹۳

صص ۱۶۷-۱۹۴

بررسی مهاجرت معکوس و تأثیر آن بر توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و تغییرات فرهنگی و سیاسی در روستاهای شهرستانهای تنکابن و رامسر واقع در استان مازندران ۱۳۸۵-۱۳۹۰

علی اصغر مهاجرانی^۱، زهرا روستا^۲

چکیده

شهرهای تنکابن و رامسر از شهرهای ساحلی شمال کشور هستند که مهاجرت معکوس در آنها جریان دارد. پژوهش حاضر به تأثیر مهاجرت معکوس بر توسعه ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در روستاهای شهرستانهای تنکابن و رامسر می پردازد. روش تحقیق توصیفی، پیمایشی است و از روش اسنادی (کتابخانه ای) نیز استفاده شده است. نظریات غالب در تحقیق عبارتند از: نظریه ی کارکردگرایی و نظریه ی چرخه ی حیات. دو شیوه ی نمونه گیری در این تحقیق با توجه به وجود ۲ نمونه ی آماری وجود دارد. نمونه گیری سهمیه ای با روش توزیع اتفاقی بین ۳۷۰ نفر از مهاجران به روستا توسط پرسشنامه ی شماره ی ۱ و یک روش نمونه گیری هدفمند با روش توزیع گلوله ی برفی با پرسشنامه شماره ۲ بین همان ۳۷۰ نفر مهاجر به روستا و هم ۹۳ نفر از ساکنان روستایی که دارای مقام دولتی و محلی در روستا بوده اند انجام شد و در نهایت نتایج به دست آمده با هم مقایسه شده است.

برای آزمون متغیرهای پژوهش از آماره های متناسب در نرم افزار SPSS استفاده گردید. نتایج به دست آمده حاکی از وجود تأثیر مثبت و معنادار مهاجرت معکوس بر توسعه ی اقتصادی- اجتماعی و سیاسی و تأثیر منفی و معنادار مهاجرت معکوس بر توسعه ی فرهنگی است. مؤلفه ی

۱- aliasgharmohajerani@yahoo.com

۱- استادیار جغرافیای انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

Z.roustamas@yahoo.com

۲- دکتری جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۱۲

تاریخ وصول: ۹۳/۲/۲۴

کارکرد اقتصادی با بار عاملی ۰/۷۴ دارای بیشترین تأثیر، همچنین مؤلفه کارکرد اجتماعی با بار عاملی ۰/۷۳، مؤلفه‌ی کارکرد سیاسی با بار عاملی ۰/۷۰ و مؤلفه‌ی کارکرد منفی فرهنگی با بار عاملی ۰/۶۵، رتبه‌های بعدی میزان تأثیر در مؤلفه‌ی مهاجرت معکوس را دارند. در عین حال با مقایسه‌ی دیدگاه ساکنان روستا و مهاجران و مقایسه‌ی پرسشنامه شماره‌ی ۱ و ۲ پاسخهای بسیار شبیه و یکسانی به دست آمد.

کلید واژه‌ها: مهاجرت معکوس، توسعه‌ی اقتصادی، توسعه‌ی اجتماعی، توسعه‌ی فرهنگی، توسعه‌ی سیاسی

بیان مسأله:

در پی مهاجرت‌های پی در پی روستائیان به شهرها، امروزه می‌توان شاهد بازگشت شهرنشینان به روستاها بود که با نام مهاجرت معکوس یا کوچ بازگشتی معرفی می‌گردد. مهاجرت یکی از عوامل تغییر جمعیت است و دارای اثرات منفی و مثبت، دراز مدت و کوتاه مدت است و این اثرات تغییراتی را در ساختار اجتماعی و اقتصادی منطقه‌ی مهاجرفرست و مهاجرپذیر وارد می‌کند. با توجه به تعریف مهاجرت معکوس، یعنی مهاجرت از شهرها به روستاها می‌توان بیان نمود که تأثیرات اینگونه مهاجرت‌ها نیز می‌توانند هم بر شهرها و هم بر روستاها باشد. بنابراین پرداختن به مبحث مهاجرت معکوس، تنها پرداختن به روستا نیست بلکه شهر را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. شهر و روستا در گهواره‌ی ناحیه همزیست و همبسترند؛ از سویی زایش، رشد و تکامل آن‌ها دور از تأثیرات ناحیه‌ای نیست و از دیگر سو با تأثیر متقابل در هم، تنشهایی به یکدیگر وارد می‌کنند (فرید، ۱۳۸۴: ۶). شهر و روستا هر دو بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و محیط نیز بر هر دو مؤثر است (شیعه، ۱۳۷۶: ۲). از آنجا که روستاها دارای توان بالقوه برای تحول نیستند، در رابطه‌های متنوع با شهر امکان تغییرات را ظاهر می‌سازند (پاپلی و یزدی و سناجردی، ۱۳۸۲: ۲۴۱) پاتر و دیگران (۱۳۸۴) اظهار داشته‌اند که ماهیت اهمیت نسبی این روابط هم در طول زمان و هم در این میان، عامل فاصله از شهر بر چگونگی میزان تأثیرگذاری آن بر روستا تعیین کننده است. این روند در مورد روستاهایی که به شهرهای بزرگ نزدیکترند بعینه دیده می‌شود. (اردستانی، ۱۳۸۷: ۱۱۵ - ۱۱۷) آمار بدست آمده در بررسی استان‌های کشور (ایران) از نظر مهاجرپذیری و مهاجرفرستی نشان می‌دهد که

استان مازندران رتبه‌ی چهارم در مهاجرپذیری را داراست؛ یعنی رقم خالص مهاجرت در آن مثبت است. در این بین مهاجرت به روستاهایی از این استان که نزدیکی قابل توجهی به شهر دارند، نیز چشمگیر می‌باشد. علت مهاجرت‌ها به روستاهای این شهرها را می‌توان در عوامل نزدیکی و درهم تنیدگی محیط شهری و روستایی و سیستم ارتباط جمعی مناسب،... بیان نمود. رشد روستاها همزمان با رشد شهرها، ظاهر مدرن روستاها و وجود فعالیتهای بسیار قوی اقتصادی و همبستگی آن با شهرها باعث جذب مهاجران می‌گردد. بنابراین پرداختن به موضوع مهاجرت معکوس به این روستاها موازی با شناخت رابطه‌ی نزدیک این روستاها به شهرهاست. شهرهای تنکابن و رامسر ضمن آنکه دارای مهاجرت معکوس به روستاهای اطراف خود هستند از جمله شهرهای مهاجرپذیر هستند و سالانه افراد زیادی به این شهرها مهاجرت می‌کنند.

بنابراین آنچه مورد بررسی است مسائل و تغییرات مهم و رو به رشد ناشی از مهاجرت‌ها به روستاهاست. تغییر بافت سنتی روستایی و تبدیل آن به شهر در چندین روستا به تازگی مشاهده شده است؛ برای نمونه روستای کتالم، سادات محله و شیروود که به شهر تبدیل گشته‌اند و به تازگی نیز روستاهای جواهر ده و عماریه (زنگشامحله) و نیز روستای سفید تمشک که مرکز تله کابین رامسر بوده نیز در حال تغییر شکل از روستا به شهر می‌باشند.

سؤال نگارنده آن است، که چه عواقبی در محل مقصد با توجه به مهاجرت معکوس پیش خواهد آمد و نوع تأثیرگذاری به چه شکل است و مهاجران چه تأثیراتی بر تغییرات مبتنی بر رشد و توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی این روستاها خواهند داشت و اینکه ورود فرهنگهای مختلف چه تأثیری در بخشهای فرهنگی و سیاسی روستاها خواهد داشت؟

ضرورت موضوع تحقیق:

پدیده‌ی جدید و رو به رشد مهاجرت معکوس که بر مهاجرت از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک و روستاها دلالت دارد، به تازگی مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است. نمونه‌های موفق مهاجرت معکوس را می‌توان در کشورهای مختلف دنیا مشاهده نمود. در

آلمان اراضی مستعد حاشیه‌ی شهرها را در قطعات ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ متری تجهیز کرده، در اختیار بازنشستگان علاقه‌مند به تولید قرار می‌دهند. معلمین بازنشسته در هلند برای تدریس دروس تقویتی و آموزشهای آسان‌تر به روستاها و مراکز تولید دعوت می‌شوند. در کالیفرنیا اراضی ۱۰ هکتاری دارای آب و امکانات کشت و زرع برای متقاضیان (اعم از بازنشستگان، افراد بیکار و کارگران) علاقه‌مند به بازگشت به روستا آماده است (ربانی، ۱۳۹۰: ۳) در ایران پدیده‌ی مهاجرت معکوس به صورت آزاد و عموم به چشم می‌خورد، علاوه بر آن دولت با برنامه‌ریزی‌های مجدانه درباره‌ی تمرکززدایی شهرهای بزرگ به سمت شهرهای کوچک و روستاها با شعار ضد شهرنشینی و مهاجرت معکوس را آغاز نموده است. در طی سالها آرام آرام بافت اجتماعی و اقتصادی این شهرها و روستاها تغییر کرده و با بهبود شبکه‌ی راهها، این روستاها که در جوار شهرهای رو به رشد هستند، شکل جدیدتر ماهیتی توسعه یافته به خود گرفته‌اند. رشد خانه‌سازی و اسکان مهاجران و ساخت خانه‌های ویلایی و آپارتمانی در محیط‌های روستایی، ساخت فیزیکی روستاها را تغییر داده و به نظر می‌رسد در تغییر کارکرد آن نیز تأثیرگذار خواهد بود. تغییراتی از قبیل رشد جمعیت، رشد نیروی کار در محل مهاجرپذیر و تغییرات مثبت و منفی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، که تغییرات مثبت می‌توانند آثار مثبت بر جامعه برجا گذارند و تغییرات منفی که ضرورت پرداختن به آنها بسیار دارای اهمیت بوده و می‌توانند به عنوان مسأله‌ی پیش روی مهاجرت معکوس مورد بررسی قرار گیرد. ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر تنها برای شناخت این پروسه‌ی اجتماعی و اطلاع‌رسانی و تأکید بر توجه مسئولان ذیربط سیستم مدیریتی و اقتصادی با در نظر گرفتن روابط بسیار نزدیک این شهرها به روستاهای مورد مطالعه است که نشانه‌هایی از تبدیل شدن به شهر را دارند، که البته این تحقیق می‌تواند زیربنایی برای تحقیقات بعدی پژوهشگران، با الگوبرداری از نمونه‌های موفق درون‌مرزی و برون‌مرزی، با توجه به رشد مهاجرت‌های معکوس و کارکرد آن در مناطق روستایی و شهری باشد.

روند تغییرات مهاجرت در استان مازندران از سال ۱۳۵۵ الی ۱۳۹۰:

جابه‌جایی‌های جمعیتی یا به تعبیری کل حرکت‌های مهاجرتی استان مازندران در طول

دوره ۱۳۵۵-۱۳۶۵، برابر ۲۵۹۱۰۴ نفر بوده است، این مسأله حاکی از این است که ۱/۴ درصد از کل جمعیت استان، در طول این دوره جابه جا شده‌اند. با توجه به آمارهای رسمی مرکز آمار ایران، طی سرشماری دهه‌ی ۱۳۵۵-۶۵، تعداد مهاجران وارد شده به استان مازندران ۷۷۶۹۸ نفر بوده‌اند. جابه جایی و مهاجرت جمعیت در استان در دوره‌ی بعد ۱۳۷۵-۱۳۶۵ افزایش زیادی یافته و به ۱/۱۹ درصد (۴۹۵۸۹ نفر) رسیده است. در دوره‌ی ۱۳۷۵-۱۳۸۵ این میزان با کاهشی اندک به ۱۷/۵ درصد (۲۱۳۲۴۳ نفر) رسیده است. همچنین بررسی میزان رشد کل حرکت‌های مهاجرتی استان، گویای این نکته است که در دوره‌ی ۱۳۶۵-۱۳۷۵، این میزان به طور متوسط نزدیک به ۷ درصد رشد سالیانه داشته است که در دوره‌ی ۱۳۷۵-۱۳۸۵، از این شدت رشد بسیار کاسته شده، به صورتی که به زیر ۰/۵ درصد رسیده است. نتایج سرشماری ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که از ۴۷۴۳۹۳ نفر مهاجر خارج شده از استان مازندران، حدود ۳۴/۴ درصد به بیرون از استان مهاجرت کرده‌اند و نیز ۶۵/۶ درصد در سطح استان جابه جا شده‌اند. همچنین از ۵۱۰۸۲۲ نفر مهاجر وارد شده، نزدیک به ۴۰ درصد آنها، از بیرون به مناطق مختلف استان مازندران وارد شده‌اند و ۶۰ درصد مهاجرت‌ها مربوط به مهاجرت‌های داخل استانی است. این داده‌ها، بیان‌کننده‌ی این است که روند مهاجرپذیری به استان مازندران بیشتر از مهاجرفرستی است. بررسی میزان اثربخشی مهاجرتی (نقش مهاجرت در باز-توزیع جمعیت) در طی سالهای ۱۳۷۵-۱۳۸۵، گویای این است که این شاخص برای کل حرکت‌های مهاجرتی استان به گونه‌ای است که بیشترین میزان اثر مهاجرتی استان را مهاجرت‌های شهر-روستا تشکیل می‌دهند و مهاجرت، نقش تعیین‌کننده‌ی در باز-توزیع جمعیت مناطق روستایی و شهری استان داراست.

و در سرشماری ۵ ساله، یعنی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ تعداد کل ۱۹۴۶۵۵ نفر به استان مازندران مهاجرت کرده‌اند که از این میان تعداد ۷۳۰۱۸ به روستاها و تعداد ۱۲۱۶۳۷ به شهرهای این استان مهاجرت نموده‌اند. از سال ۸۵-۹۰ تعداد ۸۵۲۸ نفر و تعداد ۹۸۳ نفر به ترتیب به روستاهای شهرستانهای تنکابن و رامسر مهاجرت نموده‌اند. (مرکز آمار

ایران ۱۳۹۰-۱۳۵۵)

فرضیه های پژوهش

- مهاجرت معکوس باعث رشد و توسعه‌ی اجتماعی روستاها می‌گردد.
- مهاجرت معکوس باعث رشد و توسعه‌ی اقتصادی روستاها می‌گردد.
- مهاجرت معکوس باعث رشد و توسعه‌ی فرهنگی در روستاها می‌گردد.
- مهاجرت معکوس باعث رشد و توسعه‌ی سیاسی در روستاها می‌گردد.

عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های معکوس:

بدون تردید، روستاهای پیرامون شهرهای بزرگ از جمله مهمترین کانونهای استقرار جمعیت‌های مهاجر از روستاها و حتی شهرهای کوچک به شمار می‌آید؛ این روستاها به دلیل برخورداری از امتیاز مجاورت و همزیستی با شهر بزرگ بویژه در ابعاد فرصتهای شغلی و بهره‌مندی از خدمات و زیرساختها از مزیت ارزانی شرایط زندگی و بخصوص اجاره‌ی مسکن و یا حتی خرید زمین یا مسکن بهره‌مند بوده و تبعاً زمینه‌ساز رشد بی‌رویه‌ی جمعیت در اینگونه از روستاها می‌شود. عوامل مؤثر در رشد مهاجرت‌های معکوس به روستاهای شهرهای تنکابن و رامسر متاثر از اهداف توسعه می‌باشد که به شرح زیر عبارتند از:

عوامل اقتصادی عبارتند از: درآمد ثابت و دائمی، امنیت شغلی، تعادل شغلی (ترکیبی شامل بخش‌های کشاورزی، تجارت و صنعت)، امکان کسب یک زندگی آزاد، تقسیم توانایی پاسخ‌گویی منابع، توزیع و مصرف برای مدتی طولانی.

عوامل اجتماعی و فرهنگی عبارتند از: حفظ سلامتی که اساس ادامه‌ی حیات جامعه است و نیز دسترسی، تهیه و توزیع آن در سطح جامعه، توسعه‌ی آموزش که عامل هدایت توسعه و ایجاد یک زندگی سالم است. رسیدن به خودکفایی براساس ارزش‌های فرهنگی، حفظ محیط طبیعی بر سلامتی جامعه. (پاپلی یزدی، ۱۳۸۱: ۵۳) مهاجرت از دیدگاه اجتماعی به انگیزه‌های متعددی چون انگیزه‌های مربوط به تشکیل یا الحاق به خانوار، تغییر وضعیت زناشویی، انگیزه‌های مربوط به اعضای خانوار، تحمل ناپذیر شدن شرایط زیست در مبدأ، تمایل به زندگی در جای دیگر..... (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۲۸)

عوامل سیاسی که در جوامع مختلف می‌تواند متفاوت باشد، ولی اصول کلی آن همراه ساختن جامعه‌ی روستایی با سیاست‌های دولت و به دنبال آن استفاده از روستا به عنوان منبع قدرتی پایدار است. و عوامل طبیعی (پاپلی یزدی، ۱۳۸۱: ۵۳) که در این بحث کمتر می‌گنجد.

پیشینه پژوهش:

ظاهری (۱۳۹۰) در پژوهش خود با هدف تحلیلی بر تأثیرات متقابل فضایی کلانشهر تبریز و روستاهای خوابگاهی پیرامون و با تأکید بر مهاجرت معکوس و عوامل تأثیرگذار بر آن بوده که نتایج مطالعه وی بر وجود ارتباط تنگاتنگ و بسیار نزدیک بین کلانشهر تبریز و روستاهای خوابگاهی مورد مطالعه با توجه به نزدیکی روستاهای مورد مطالعه با مرکز شهرها، دلالت داشته است. درباره‌ی مهاجرت معکوس نیز: "تأمین زمین و مسکن ارزان در روستا" و "نزدیکی به محل کار و فعالیت" در روستا را تأیید کرد. دیانی و دیگران (۱۳۸۷) با هدف بررسی زمینه‌های اسکان مجدد مهاجران روستایی مهاجران زیر پوشش کمیته‌ی امداد، با توجه به فرض بر تأثیر زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی و روان‌شناختی بر بازگشت مهاجران به روستا نشان می‌دهد که زمینه‌های اقتصادی بیش از عوامل دیگر (اجتماعی و روان‌شناختی) موجب اسکان مجدد آنان شده است. ربانی و دیگران (۱۳۹۰) در بررسی علل انگیزه‌های مهاجرت معکوس و تأثیر آن بر توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی در روستاهای اطراف شهرستان‌های تنکابن و رامسر که هدف مقاله را تشکیل می‌دهد، به علل اصلی شکل‌گیری مهاجرت معکوس همانند: مسافت، تعلق بومی، سن، نوع مسکن، درآمد، نوع شغل و سطح تحصیلات توجه دارد. رابطه‌ی بین انگیزه‌ی مهاجرت معکوس و توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی نیز نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه‌ی مثبت و معنادار با این متغیرهاست. مطیعی لنگرودی و قدیری و محمدرضا رضوانی و سایر همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش تأثیر بازگشت مهاجران به روستاها در بهبود معیشت ساکنان، به تحلیل (مهاجرت بازگشتی) با تأکید بر رویکرد معیشت پایدار روستایی و بررسی آثار آن بر سرمایه‌های انسانی، مالی، فیزیکی، اجتماعی و طبیعی افراد مهاجر

بازگشته، به پیامدهای پس از بازگشت افراد مهاجر و تنوع فعالیت‌های اقتصادی در نواحی روستایی پرداخت. کاظمی‌پور، قاسمی اردهابی (۱۳۸۶) در تحقیقی به بررسی "تجربه‌ی اقامتی و تمایل به مهاجرت به شهر تهران" پرداختند و پس از بررسی، دریافتند تجربه‌ی اقامت در یک محیط را می‌توان یکی از عوامل مؤثر بر تمایل به مهاجرت به آن محیط دانست. جیالو لی (۲۰۰۹) در تحقیق سرمایه‌ی انسانی، مهاجرت بازگشتی و روستایی و کار آفرینی در چین، که یک مطالعه‌ی مهاجرت شهری روستایی داخلی است بیان می‌کند که: دولت چین اول باید محدودیت‌های خانواده‌های روستایی را بردارد و به فکر نابرابری‌های روستا و شهر باشد و مناطق روستایی باید تا حد زیادی بهبود پیدا کنند و برای اینکار نیاز به اعتبارات خواهد داشت و توجه به بخش غیر کشاورزی یعنی رشد کار آفرینی در سایر بخش‌ها تا حدی می‌تواند به این امر کمک کند. گوردون و همکاران (۱۹۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان "وضعیت اشتغال مهاجران روستایی و بازگشت مهاجران" بیان می‌کنند، که مهاجرت داخلی موقت و دائم همراه با تأثیر خانواده و ویژگی‌های فردی و سرمایه‌ی انسانی، در انتقال کار به سمت بالا و رو به پایین از کارگران در تایلند است. لیو در سال (۱۹۷۵) در مطالعه‌ی خود درباره‌ی بررسی اثرپذیری میزان خالص از شاخص‌های کیفیت زندگی با استفاده از نرخ خالص مهاجرت میان سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، تأثیر مثبت و معنادار شاخص‌های کیفیت زندگی بر مهاجرت را نشان داده است. در مطالعه‌ی وی اغلب متغیرهای مورد استفاده‌ی متغیرهای اقتصادی همچون درآمد سرانه‌ی تعدیل شده، بر اساس سایر هزینه‌هاست (لیو: ۱۹۷۵). لورو و همکاران (۲۰۰۸) در مطالعه‌ی خود به بررسی نحوه‌ی اثرگذاری عوامل غیر اقتصادی و به عبارتی دو گروه: گروه متغیر جغرافیایی و جمعیت‌شناسی کیفیت زندگی بر الگوی مهاجرت در دوره‌ی اخیر کشور های عضو سازمان همکاری اقتصادی پرداختند. نتایج الگوی آن‌ها نشان‌دهنده‌ی تأثیر معنادار متغیرهایی از جمله درآمد، جمعیت و عوامل جغرافیایی بر مهاجرت بوده است (لور و همکاران: ۲۰۰۸ به نقل از فرجادی، ۱۳۸۲)

نگارنده با توجه به مقالات ارائه شده در پیشینه‌ی پژوهشی مقالات را اینگونه تقسیم بندی می‌نماید: الف- پژوهشهایی که به دنبال شناخت علل مهاجرت‌های معکوس و شکل-

گیری این پدیده می‌باشند، که نگارنده در کار تحقیقی خویش به دلیل کم بودن پژوهش درباره‌ی مهاجرت معکوس، به عنوان ارائه‌ی اطلاعات به خواننده آنان را مطرح می‌نماید. ب- پژوهشهایی که در پی شناخت پیامدهای اینگونه مهاجرتها می‌باشند که این پژوهش‌ها مد نظر و توجه نگارنده در کار تحقیقاتی حاضر است؛ البته هیچ کدام از تحقیقات ارائه شده‌ی داخلی و خارجی، مستقیماً به امر مهاجرت معکوس و توسعه نپرداخته‌اند ولی با استفاده از این تحقیقات، نگارنده علاوه بر بررسی پیامدهای اقتصادی و اجتماعی که در سایر تحقیقات ارائه گردیدند، به دنبال بررسی تأثیرات فرهنگی و سیاسی در روستاها با توجه به مهاجرتها معکوس می‌باشد که می‌توان آن را به عنوان نقطه‌ی عطف این پژوهش در نظر گرفت، زیرا پژوهشی ترکیبی و کلی می‌باشد. ج- در عین حال نگارنده در این پژوهش قصد دارد اطلاعاتی در زمینه‌ی شناخت مهاجرت معکوس و نظریات در این زمینه و روابط آن با تغییرات پس از مهاجرتها معکوس در روند رشد و توسعه و ایجاد تفکر ضد شهرنشینی، به خواننده دهد تا در صورت پذیرش کار تحقیقاتی حاضر، به عنوان منبعی جامع درباره‌ی مهاجرت معکوس باشد.

تعریف اصطلاحات، مفاهیم

توسعه : واژه‌ی توسعه در لغت به معنای خروج از لفاف است. در قالب نظریه‌ی نوسازی، لفاف همان جامعه‌ی سنتی و فرهنگ و ارزش‌های مربوط به آن است که جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله‌ی سنتی خارج شوند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۲۴) **ابعاد توسعه عبارتند از** : ۱. توسعه‌ی اقتصادی؛ ۲. توسعه‌ی اجتماعی؛ ۳. توسعه‌ی سیاسی؛ ۴. توسعه‌ی انسانی؛ (ازکیا، ۱۳۸۰: ۱۸ - ۲۲). ۵. توسعه‌ی فرهنگی؛ ۶. توسعه‌ی ملی. (نظرپور، ۱۳۷۸: ۴۴ - ۴۸) و (ازکیا، ۱۳۸۰: ۱۹ - ۲۰).

توسعه‌ی اقتصادی: از نظر پیتر دورنر توسعه‌ی اقتصادی عبارت است از بسط امکانات و پرورش قابلیت‌های بشری، که برای جلوگیری از فقر ضروری می‌باشد. تقلیل دامنه‌ی فقر عمومی، بیکاری و نابرابری ملازم با توسعه‌ی اقتصادی هستند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۴۵) (مک لوپ می‌گوید: توسعه‌ی اقتصادی عبارت است از کاربرد منابع تولیدی به نحوی

که موجب رشد بالقوه‌ی مداوم درآمد سرانه در یک جامعه بشود (ربانی، ۱۳۹۰: ۸)

توسعه‌ی اجتماعی: از مفاهیمی است که با چگونگی و شیوه‌ی زندگی افراد یک جامعه پیوندی تنگاتنگ دارد. در ابعاد عینی بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت می‌باشد. (ازکیا و غفاری ۱۳۸۴: ۴۷)

توسعه‌ی سیاسی: توسعه‌ی سیاسی فرایندی است که زمینه‌ی لازم را برای نهادی کردن تشکّل و مشارکت سیاسی فراهم می‌کند و حاصل آن افزایش توانمندی یک نظام سیاسی است. (ازکیا، غفاری، ۱۳۸۸: ۵۱). با هدف رسیدن به پیشرفت، صنعتی شدن، رفع فقر، رفع وابستگی، ایجاد تحولات ساختاری و اصطلاحات در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب زندگی گذشته به شرایط بهتر.

توسعه‌ی فرهنگی: ارکان و بنیان اصلی نظام اجتماعی بر پنج عنصر همراه با مؤلفه‌های مربوطه استوار است که عبارتند از: ۱- ارکان، عناصر و مؤلفه‌های جغرافیایی - اقلیمی ۲- ارکان، عناصر و مؤلفه‌های جمعیتی ۳- ارکان، عناصر و مؤلفه‌های معیشتی - اقتصادی ۴- ارکان، عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی ۵- ارکان، عناصر و مؤلفه‌های سیاسی (سیف الهی، ۱۳۸۱: ۵۷) عبارت فرهنگ در بُعد عمومی نشأت گرفته از همان اندیشه‌ی تایلر است که «فرهنگ را مجموعه‌ای از توانایی‌ها، شناخت، باورها، اشیا، فنون و هنرها، و قوانین می‌داند که هر انسانی از جامعه‌ای که در آن عضو است، دریافت می‌کند.» (فکوهی، ۱۳۷۹: ۲۴۵). هدف نهایی توسعه‌ی فرهنگی در واقع غرض اصلی هر نوع توسعه‌ای است؛ یعنی رشد و تعالی انسان، هم در ابعاد مادی و هم در بعد معنوی.

مهاجرت معکوس (مهاجرت برگشتی): مهاجرت برگشتی فرایندی است که بر اساس آن، افراد بعد از یک دوره‌ی اقامت طولانی مدت در سرزمین دیگر (مقصد) به سرزمین اولیه‌ی خود (مبدأ) بازمی‌گردند (فیلیپس و پوتر^۱، ۲۰۰۳: ۳).

در تعاریف دیگر، این پدیده بیشتر واکنشی نسبت به ایجاد جذابیت در مناطق روستایی قلمداد می‌شود که از طریق ایجاد درآمد در فعالیتهایی مانند دامداری یا

کشاورزی، بازنشستگی و گاهی اوقات ناشی از مشکلات زندگی شهری پدید می‌آید. جریانی که در آن فرد یا افرادی که بنا به دلایل مختلفی، از سرزمینی که قبلاً به عنوان محل سکونت جدید خود انتخاب کرده‌اند، دوباره به مکان اولیه‌ی خود بازگردند (اکالی، اکپرا و الیوی^۱، ۲۰۰۱: ۵۵). گرچه باید گفت که این بازگشت بیشتر به واسطه‌ی عوامل کشش / جاذبه در نواحی روستایی، نسبت به عوامل دافعه در مناطق شهری صورت می‌گیرد (دیانی، ۱۳۸۷: ۱۲۵) مهاجرت برگشتی نوعی از مهاجرت موقتی است که شخص مورد نظر، ایده‌ی بازگشت به مبدأ خود را دارد. مهاجرت برگشتی وضعیتی را بیان می‌کند که شخص مهاجر با تمایل خود و بویژه بعد از مدت زمان مشخص، به مبدأ بازمی‌گردد (داستمن و ویس^۲، ۲۰۰۷: ۳). "انعطاف‌پذیری مهاجرانی است که مقصد نامطلوب خود را به مکان دیگری تغییر می‌دهند که در آن، موقعیت‌های بهتر اقتصادی فراهم آمده است". (مرکز تحقیقات توسعه، ۲۰۰۵: ۷). حرکت افراد مهاجر از مناطقی با فرصت‌های کم به سوی مکان‌هایی با فرصت‌های بهتر (زهري، ۲۰۰۳: ۲۹). عکس‌العملی است نسبت به عوامل و دلایل اقتصادی اجتماعی، و خانوادگی / فامیلی. (ونگ، ۲۰۰۴: ۱۴)

محدوده و قلمرو پژوهش در استان مازندران:

شهرستان تنکابن:

شهرستان تنکابن یکی از شهرستان‌های استان مازندران است. جمعیت این شهرستان در سال ۱۳۹۰؛ ۱۹۶۴۰۰ نفر است. (روابط عمومی شهرستان تنکابن ۱۳۹۰) وسعت آن ۱۹۷۵ کیلومترمربع است. شهر تنکابن تا تهران ۲۵۷ کیلومتر فاصله دارد. آب و هوای ناحیه شمالی آن معتدل و مرطوب و آب و هوای قسمت‌های جنوبی آن سرد است (روابط عمومی اداره‌ی فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان تنکابن، ۸۸-۱۳۸۹)

شهرستان رامسر:

رامسر یکی از شهرستان‌های استان مازندران است و آن را عروس شهرهای ایران لقب

1- Okali, Okpara & Olawoye

2- Dustmann and Weiss

داده‌اند.. جمعیت آن نیز بیش از ۷۰ هزار نفر است که بیش از نیمی از آن در روستاها زندگی می‌کنند (روابط عمومی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان رامسر، ۱۳۸۸-۱۳۸۹)

اطلاعاتی در مورد مناطق قابل بررسی در پژوهش حاضر:

۱- شهرستانهای تنکابن و رامسر فاصله‌ی بسیار کمی با دریای خزر دارند. ۲- هسته‌ی اصلی شهری شهرستانهای تنکابن و رامسر در امتداد خط موازی دریای خزر می‌باشند. ۳- اکثر روستاهای شهرستانهای تنکابن و رامسر به سمت کوه البرز کشیده شده‌اند و در مناطق کوهستانی واقع شده‌اند. ۴- روستاهای شهرستانهای تنکابن و رامسر فاصله‌ی بسیار کمی با این شهرها دارند. ۵- روابط متقابل بسیار قوی بین روستاهای نزدیک به شهر و یا همان مناطق خوش‌نشین روستایی با مناطق شهری تنکابن و رامسر وجود دارد. ۶- به علت ارزان‌تر بودن مسکن و زمین در روستاهای این شهرستانها، اکثر مردم در روستاها ساکن هستند و در صورت داشتن شغل در شهر، رفت و آمد می‌کنند.

جدول ۱- فهرست روستاهای دهستانهای مورد بررسی از ۲ شهرستان

شهر		تنکابن												رامسر					
بخش	مرکز شهرستان تنکابن	خرم آباد		نشنا		مرکز شهرستان رامسر													
دهستان	میر شمس الدین	دو هزار	سه هزار	بلده	کترا	تمشکل	چهل شهید			سخت سر	جنت رودبار								
آبادی	حاجی آباد	دو هزار	سه هزار	نعمت آباد	کترا	پلت کله	توین آباد	فقیه محله	گالش	لیماک	اربه گله	سفید تمشک	لپا سر	جواهر ده	جنت رودبار				
جمعیت	۱۸۱۰	۳۰۱۲	۲۶۸۲	۱۶۹۶	۱۶۹۶	۹۸۸	۲۴۲۳	۱۱۹۶	۱۹۱۴	۷۶۷	۱۱۸۴	۱۰۴۳	۱۰۱۷	۱۰۱۰	۲۴۳	۶۳۴	۲۴۲	۷۷۰	۶۲۷

با توجه به تعداد بالای روستا در این ۲ شهرستان، برای سهولت در بررسی روستاها، پژوهشگر با توجه به تعداد افراد ساکن، روستاهایی که: الف- دارای جمعیت و مهاجران بیشتر بوده و ب- فاصله‌ی کمتری با شهر داشته‌اند و ج- دارای صفت‌ها و ویژگیهای بیشتری با موضوع تحقیق داشته‌اند را انتخاب نموده است.

مبانی نظری مهاجرت:

در مقاله‌ی حاضر با توجه به موضوع مهاجرت معکوس نظریات مربوط به علل مهاجرت و پیامدهای مهاجرت بررسی می‌گردند:

نظریات علل و عوامل مؤثر بر ایجاد مهاجرت:

نظریه‌ی درآمد انتظاری:

این نظریه بر این اساس است که تصمیم برای مهاجرت بستگی به برداشت از «درآمد انتظار» در محل مقصد دارد. عمران روستایی برون کوچی از روستا به شهر را کاهش می‌دهد (با یکسان کردن درآمد انتظاری شهر و روستا) و درعین حال به علت نبودن فاصله‌ی درآمد بین شهر و روستا، افراد بیشتری جذب روستاها از شهرها می‌شوند. (ربانی، ۱۳۹۰: ۸).

نظریه‌ی جذب و دفع اورت - سی - لی:

او نظریه‌ای درباره مهاجرت داد که مهاجرت را تحت تأثیر چهار عامل عمده تبیین کرد. ۱- عوامل موجود در مبدأ (برانگیزنده و بازدارنده) ۲- عوامل موجود در مقصد (برانگیزنده و بازدارنده) ۳- موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد ۴- عوامل شخصی (ربانی، ۱۳۹۰: ۹).

نظریات پیامدهای مهاجرت:

نظریه‌ی کارکرد گرایان:

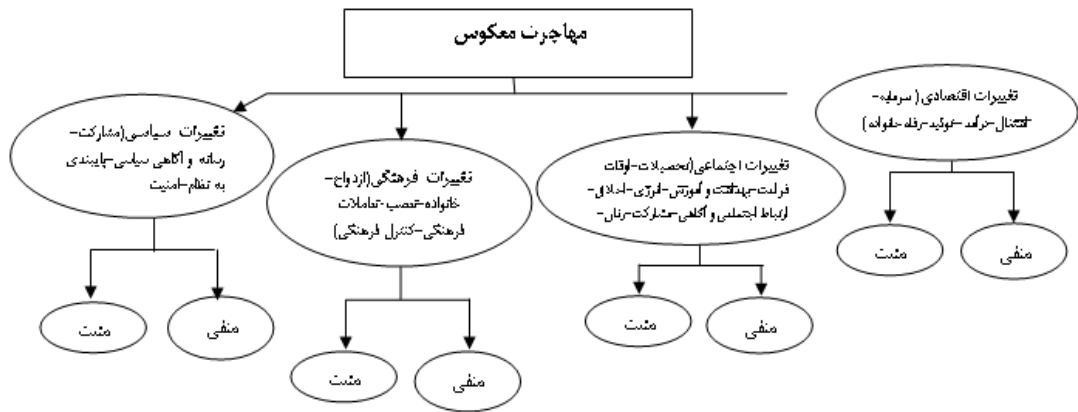
این نظریه بر تبیین و دلایل و پیامدهای مهاجرت استوار است. کنش‌گران در یک نظام به نیازهایی باور دارند که در آن نظام نمی‌توانند آنها را برآورده سازند، زیرا خصایص ساختن نظام‌های اجتماعی و کنش‌گران هرگز در طول زمان ایستا نیستند، از این رو ممکن است تحولات لازم برای کاهش ناهماهنگی بین احساس نیاز و امکان تسهیل آن در کنش‌گر یا در نظام یا در هر دو اتفاق بیفتند. درک ناهماهنگی بین خصایص فرد و نظام اجتماعی، منجر به مهاجرت شخص جهت کاهش ناهماهنگی‌های ساختی می‌شود (ربانی، ۱۳۹۰: ۱۴) به اعتقاد کارکردگرایان از آنجا که در هر نظام بدون وجود پوشش‌های انسانی تعادل به هم می‌خورد، مهاجرت عنصری الزامی برای برقراری تعادل مجدد در جامعه است، به

همین دلیل مهاجرت از یک طرف به مکانیزم تطابق شخص با تغییرات ایجاد شده بدل می‌گردد و از طرف دیگر تعادل از دست رفته را به جامعه بر می‌گرداند. (ربانی، ۱۳۹۰: ۱۵)

نظریه‌ی چرخه‌ی حیات:

بر اساس نظریه‌ی تحول جمعیت‌شناختی، بین توسعه‌یافتگی و تغییر جمعیت رابطه‌ای معنادار وجود دارد، با توجه به جمعیت روستایی و توسعه اینگونه بیان می‌شود که، روستاها پس از گذراندن مرحله‌ی پیدایش، مرحله‌ی رشد صعودی را در پیش می‌گیرند. در این مرحله، رونق اقتصادی، افزایش امید به زندگی و احیاناً جذب مهاجر باعث افزایش تعداد جمعیت می‌شود. بعضی از روستاها، با ادامه‌ی روند جذب جمعیت و یا ادغام با روستاهای دیگر، همچنان این مرحله را ادامه می‌دهند تا سرانجام، بدون گذر از یک دوره‌ی حیات، دوران جدیدی از روند تکاملی خود را به صورت شهر آغاز کنند. و یا با تغییر کارکرد اقتصادی به شکل روستای گردشگری و یا مزرعه‌ی تولیدی یا مکان تولیدی، مرحله‌ی جدیدی از حیات خود را آغاز می‌کنند. حتی تعدادی از این روستاها ممکن است با تغییر شرایط اقتصادی - اجتماعی، دوران حیات تازه‌ای را آغاز کنند و بار دیگر جاذب جمعیت شوند (فیروز نیا، ۱۳۸۵: ۴۰-۴۱) بنابراین، نظریه‌ی چرخه‌ی حیات به یک طرح بهینه‌ی چرخه‌ی زندگی که بر اساس آن، چه بسا طرح مهاجرت معکوس بخشی از زنجیره‌ی چرخه‌ی حیات برای مکان مناسب اقامت باشد، اشاره می‌کند (وانگ^۱، ۲۰۰۴: ۴).

شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق (مهاجرت معکوس-تغییرات پیش رو)



منبع: محقق ساخته: ۱۳۹۳

علاوه بر نظریات پیامدهای مهاجرت یک نظریه مبتنی بر توسعه روستایی که مرتبط با موضوع تحقیق حاضر نیز می باشد مطرح می گردد.

"مایکل تودارو" توسعه کشاورزی و روستایی را محور اصلی توسعه ملی می داند و در این راستا اعتقاد دارد که اگر قرار است توسعه ملی در کشورهای جهان سوم واقعیت پذیرد. باید تعادل بهتری بین توسعه روستایی و شهری ایجاد شود، چون اکثر پروژه های دارای اولویت دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بر نوسازی و توسعه بخش شهری متمرکز بود. بنابراین در سال های آینده باید تأکید بیشتری بر گسترش امکانات اقتصادی و اجتماعی در مناطق روستایی شود. (فتحی و مطلق، ۱۳۸۶: ۹)

روش تحقیق

در این تحقیق از روش پیمایشی و اسنادی استفاده شده است. جامعه های آماری مورد بررسی در این تحقیق ۱- مهاجران به روستاها در ۵ سال ۱۳۸۵-۹۰ که بر اساس آمارهای به دست آمده ۹۵۱۱ نفر بوده اند و حجم نمونه بر اساس رابطه کوکران معادل ۳۷۰ نفر محاسبه شد. واحد آماری این نمونه سرپرستان خانوارها و بالای ۱۸ سال بوده اند. شیوه نمونه گیری در این جامعه از روش سهمیه ای و پر کردن پرسشنامه ها به صورت اتفاقی در بین مهاجران انجام گرفت.

۲- ساکنان روستا با مدرک لیسانس به بالا و دارای شغل رسمی و دولتی بوده که به

صورت اختیاری با دادن سهم به هر روستا ۹۳ نفر انتخاب گردیدند. روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری هدفمند و پر کردن پرسشنامه‌ها به صورت روش گلوله‌ی برفی صورت گرفت.

ابزارها و روش گردآوری داده‌ها:

در این تحقیق از پرسشنامه (۱) سنجش وضعیت فردی از دید فرد مهاجر درباره‌ی وضعیت اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی و سیاسی قبل و بعد از مهاجرت به روستاها با طیف لیکرت استفاده شده و از پرسشنامه (۲) که تغییرات اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و سیاسی را در روستا پس از مهاجرت به این روستاها شکل گرفته که توسط ساکنان محلی روستا که دارای مقام محلی و دولتی بوده‌اند و مهاجران (که پرسشنامه‌ی شماره‌ی ۱ را تکمیل کردند) تکمیل گردید و با روش مقایسه‌ای نظریات سنجش وضعیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. ضریب آلفا محاسبه شده برای پرسشنامه ۱ - ۰/۷۵۹ و پرسشنامه ۲ - ۰/۷۶۳ بوده است. بنابراین می‌توان گفت که پرسشنامه‌های مذکور می‌توانند ابزار گردآوری اطلاعات برای داده‌های قابل اعتماد با پیوستگی و ثبات درونی معتبری باشند.

یافته‌ها:

بررسی وضعیت جمعیت شناختی پژوهش

باتوجه به توزیع پرسشنامه ۲ در بین مهاجران از مجموعه ۳۷۰ پرسشنامه‌ی توزیع شده، تعداد ۳۵۸ پرسشنامه بازگشت و جمع‌آوری گردید. (درصد بازگشت و پاسخ‌گویی ۹۶/۷۵٪) همچنین در بین مقامات محلی و رسمی از مجموع ۹۳ پرسشنامه‌ی توزیع شده، تعداد ۸۷ پرسشنامه جمع‌آوری گردید (درصد بازگشت و پاسخ‌گویی ۹۳/۵۴٪). در این بخش برای پاسخ‌گویی به هریک از فرضیه‌های تحقیق ابتدا جهت پی بردن به نرمال بودن داده‌ها از آزمون کالموگروف اسمیرنف استفاده شد که نتیجه‌ی آزمون حاکی از نرمال بودن داده‌ها بود. از این رو باتوجه به نرمال بودن داده‌ها، جهت پاسخ‌گویی به فرضیات تحقیق از آزمون‌های آماری t تک متغیره و مستقل، آزمون همبستگی پیرسون، ضریب رگرسیون و تحلیل واریانس چندراهه با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۹ و مدل‌سازی

معادله‌ی ساختاری با استفاده از نرم افزار ۲۱ Amos استفاده گردیده است.

فرضیات پژوهش

فرضیه‌ی اول پژوهش: مهاجرت معکوس باعث رشد و توسعه (تغییرات مثبت) اقتصادی روستاها می‌گردد.

جدول ۲- آزمون t تک‌نمونه‌ای مربوط به دیدگاه مهاجران و مقامات با میانگین فرضی ۳

شاخص‌های اقتصادی	دیدگاه	میانگین	تعداد	درجه آزادی آزمون(df)	t	سطح معناداری (a)
اشتغال	مهاجران	۳/۰۷	۳۵۸	۳۵۷	۴/۳۹	۰/۰۰۰
	مقامات	۳/۲۱	۸۷	۸۶	۵/۴۷	۰/۰۰۴
سرمایه	مهاجران	۳/۳۹	۳۵۸	۳۵۷	۳/۳۶	۰/۰۰۱
	مقامات	۳/۲۹	۸۷	۸۶	۴/۷۵	۰/۰۰۳
تولید	مهاجران	۳/۴۸	۳۵۸	۳۵۷	۳/۰۳	۰/۰۰۲
	مقامات	۳/۲۶	۸۷	۸۶	۴/۱۹	۰/۰۱۸
رفاه خانواده	مهاجران	۳/۹۱	۳۵۸	۳۵۷	۶/۷۹	۰/۰۰۰
	مقامات	۳/۶۹	۸۷	۸۶	۵/۴۲	۰/۰۰۰
درآمد	مهاجران	۳/۴۶	۳۵۸	۳۵۷	۳/۴۷	۰/۰۰۱
	مقامات	۳/۰۹	۸۷	۸۶	۳/۲۳	۰/۰۳۷
کل	مهاجران	۳/۴۶	۳۵۸	۳۵۷	۴/۲	۰/۰۰۰
	مقامات	۳/۳۲	۸۷	۸۶	۴/۶۱	۰/۰۰۰

جدول ۲ نشان می‌دهد که فرض اول پژوهش تأیید می‌شود. یعنی مهاجرت معکوس باعث رشد و توسعه (تغییرات مثبت) اقتصادی روستاها می‌گردد. با توجه به آزمون t مستقل برای بررسی تفاوت دیدگاه‌ها، با سطح معناداری ۰/۲۰۱ نشان می‌دهد که بین دیدگاه افراد مهاجر و مقامات در خصوص شاخص‌های اقتصادی تفاوتی وجود ندارد. فرضیه‌ی دوم پژوهش: مهاجرت معکوس باعث رشد و توسعه (تغییرات مثبت) اجتماعی روستاها می‌گردد.

جدول ۳- آزمون t تک‌نمونه‌ای مربوط به دیدگاه مهاجران و مقامات با میانگین فرضی ۳

شاخص‌های اجتماعی	دیدگاه	۳/۲	تعداد	درجه‌ی آزادی آزمون (df)	t	سطح معناداری (a)
تحصیلات	مهاجران	۳/۱۲	۳۵۸	۳۵۷	۴/۸۵	۰/۰۰۰
	مقامات	۴/۰۳	۸۷	۸۶	۵/۱۷	۰/۰۰۱
اوقات فراغت	مهاجران	۳/۸	۳۵۸	۳۵۷	۶/۰۲	۰/۰۰۳
	مقامات	۳/۰۲	۸۷	۸۶	۵/۶۹	۰/۰۰۱
بهداشت و آموزش	مهاجران	۳/۲۳	۳۵۸	۳۵۷	۲/۰۷	۰/۰۰۰
	مقامات	۳/۵۸	۸۷	۸۶	۳/۸۹	۰/۰۰۴
دسترسی به انرژی	مهاجران	۳/۶۴	۳۵۸	۳۵۷	۴/۴۲	۰/۰۲۳
	مقامات	۳/۷۶	۸۷	۸۶	۵/۳	۰/۰۱۱
اصول اخلاقی و کنترل- های اجتماعی و ..	مهاجران	۳/۶۱	۳۵۸	۳۵۷	۳/۰۶	۰/۰۰۰
	مقامات	۳/۱۱	۸۷	۸۶	۴/۱۳	۰/۰۰۷
ارتباط اجتماعی و آگاهی	مهاجران	۳/۲۷	۳۵۸	۳۵۷	۳/۴۹	۰/۰۱۹
	مقامات	۳/۴۱	۸۷	۸۶	۴/۰۹	۰/۰۳۹
مشارکت	مهاجران	۳/۵۸	۳۵۸	۳۵۷	۴/۶۳	۰/۰۰۰
	مقامات	۳/۷	۸۷	۸۶	۵/۴۲	۰/۰۰۰
زنان	مهاجران	۳/۴۷	۳۵۸	۳۵۷	۳/۴۹	۰/۰۱۹
	مقامات	۳/۷۴	۸۷	۸۶	۵/۷۲	۰/۰۰۱
محیط زیست	مهاجران	۳/۹۷	۳۵۸	۳۵۷	۴/۶	۰/۰۰۲
	مقامات	۳/۲	۸۷	۸۶	۵/۹۶	۰/۰۰۱
کل	مهاجران	۳/۴۷	۳۵۸	۳۵۷	۴/۰۷	۰/۰۰۰
	مقامات	۳/۵۲	۸۷	۸۶	۵/۰۴	۰/۰۰۰

جدول ۳ نشان می‌دهد که فرض دوم پژوهش تأیید می‌شود. یعنی مهاجرت معکوس باعث رشد و توسعه (تغییرات مثبت) اجتماعی روستاها می‌گردد. با توجه به آزمون t مستقل برای بررسی تفاوت دیدگاه‌ها، با سطح معناداری ۰/۳۲۱ نشان می‌دهد که نتیجه‌ی آزمون معنادار نیست، بنابراین بین دیدگاه افراد مهاجر و مقامات در خصوص شاخص‌های اجتماعی تفاوتی وجود ندارد.

-فرضیه‌ی سوم پژوهش: مهاجرت معکوس باعث رشد فرهنگی (تغییرات مثبت) در

روستاها می‌گردد.

جدول ۴- آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به دیدگاه مهاجران و مقامات با میانگین فرضی ۳

شاخص‌های فرهنگی	دیدگاه	میانگین	تعداد	درجه‌ی آزادی آزمون (df)	t	سطح معناداری (a)
ازدواج	مهاجران	۲/۶۸	۳۵۸	۳۵۷	-۱/۱۹	۰/۰۵۷
	مقامات	۲/۹۱	۸۷	۸۶	۱/۴	۰/۰۷۱
خانواده	مهاجران	۳/۱	۳۵۸	۳۵۷	۲/۱۶	۰/۰۰۱
	مقامات	۳/۱۳	۸۷	۸۶	۴/۰۵	۰/۰۰۰
تعصب فرهنگی	مهاجران	۲/۸۳	۳۵۸	۳۵۷	۱/۰۳	۰/۳۷۲
	مقامات	۲/۷۱	۸۷	۸۶	۱/۱	۰/۱۹۸
تعاملات فرهنگی و آگاهی	مهاجران	۲/۷۵	۳۵۸	۳۵۷	۱/۸۹	۰/۱۷
	مقامات	۲/۶۹	۸۷	۸۶	۱/۳۲	۰/۲۹
کنترل فرهنگی	مهاجران	۲/۸۴	۳۵۸	۳۵۷	۱/۷۲	۰/۰۹۶
	مقامات	۳/۰۲	۸۷	۸۶	۲/۷۳	۰/۰۳۱
کل	مهاجران	۲/۸۴	۳۵۸	۳۵۷	۱/۲	۰/۱۳۹
	مقامات	۲/۸۹	۸۷	۸۶	۱/۳۱	۰/۰۷۴

جدول ۴ نشان می‌دهد که فرض سوم تحقیق رد می‌شود، یعنی مهاجرت معکوس باعث رشد فرهنگی (تغییرات مثبت) در روستاها نمی‌گردد. با توجه به آزمون t مستقل برای بررسی تفاوت دیدگاه‌ها، با سطح معناداری ۰/۴۶۲ نشان می‌دهد که نتیجه آزمون معنادار نیست، بنابراین بین دیدگاه افراد مهاجر و مقامات در خصوص شاخص‌های فرهنگی تفاوتی وجود ندارد.

فرضیه‌ی چهارم پژوهش: مهاجرت معکوس باعث رشد و توسعه (تغییرات مثبت) سیاسی روستاها می‌گردد.

جدول ۵- آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به دیدگاه مهاجران و مقامات با میانگین فرضی ۳

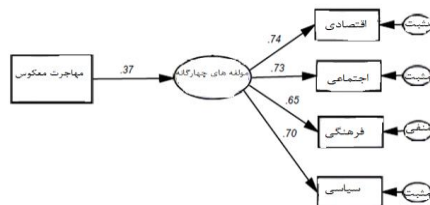
شاخص‌های سیاسی	دیدگاه	میانگین	تعداد	درجه‌ی آزادی آزمون (df)	t	سطح معناداری (a)
----------------	--------	---------	-------	----------------------------	---	------------------

۰/۰۰۰	۴/۳۹	۳۵۷	۳۵۸	۴/۶۹	مهاجران	مشارکت سیاسی
۰/۰۰۰	۵/۴۷	۸۶	۸۷	۴/۷۳	مقامات	
۰/۰۰۱	۳/۳۶	۳۵۷	۳۵۸	۳/۸۴	مهاجران	رسانه و آگاهی
۰/۰۰۰	۴/۷۵	۸۶	۸۷	۳/۷۷	مقامات	
۰/۰۰۰	۳/۰۳	۳۵۷	۳۵۸	۴/۹۴	مهاجران	پایبندی به نظام
۰/۰۰۱	۴/۱۹	۸۶	۸۷	۴/۹۷	مقامات	
۰/۰۰۰	۶/۷۹	۳۵۷	۳۵۸	۴/۸۲	مهاجران	امنیت
۰/۰۰۰	۵/۴۲	۸۶	۸۷	۴/۸۷	مقامات	
۰/۰۰۰	۴/۳۹	۳۵۷	۳۵۸	۴/۵۷	مهاجران	کل
۰/۰۰۰	۴/۹۵	۸۶	۸۷	۴/۵۸	مقامات	

جدول ۵ نشان می‌دهد که فرض چهارم پژوهش تأیید می‌شود. یعنی مهاجرت معکوس باعث رشد و توسعه (تغییرات مثبت) سیاسی روستاها می‌گردد. با توجه به آزمون t مستقل برای بررسی تفاوت دیدگاه‌ها، با سطح معناداری ۰/۰۶۹ نشان می‌دهد که نتیجه-ی آزمون معنادار نیست، بنابراین بین دیدگاه افراد مهاجر و مقامات در خصوص شاخص‌های سیاسی تفاوتی وجود ندارد.

آزمون مدل نظری تحقیق:

شکل ۲- برون‌داد مدل تجربی تحقیق بر اساس تأثیر مؤلفه‌های چهارگانه بر مهاجرت معکوس



شکل ۴ که مرتبط با تبیین مدل پژوهش است نشان می‌دهد که ضریب تأثیر مؤلفه‌های چهارگانه بر مهاجرت معکوس در سطح معناداری ۰/۰۱ برابر با ۰/۳۷ می‌باشد از این رو می‌توان گفت مؤلفه‌های چهارگانه ۰/۱۳ از واریانس مهاجرت معکوس را تبیین می‌کند. اما بارهای عاملی مرتبط با تأثیر عوامل چهارگانه در مهاجرت معکوس نشان‌دهنده‌ی آن است که مؤلفه‌ی کارکرد مثبت اقتصادی با بار عاملی ۰/۷۴ دارای بیشترین تأثیر با مؤلفه‌ی مهاجرت معکوس می‌باشد، بنابراین بیشترین وزن را نیز در محاسبات مربوط به

این مولفه دارا می‌باشد. همچنین مؤلفه‌ی کارکرد مثبت اجتماعی با بار عاملی ۰/۷۳، مؤلفه‌ی کارکرد مثبت سیاسی با بار عاملی ۰/۷۰ و مؤلفه‌ی کارکرد منفی فرهنگی با بار عاملی ۰/۶۵ رتبه‌های بعدی میزان تأثیر در مؤلفه‌ی مهاجرت معکوس دارند.

برازش مدل:

با در نظر گرفتن معیار مهم کای اسکوتر جهت تبیین مدل، و شاخص عمومی دیگر یعنی مقدار کای اسکوتر بهنجار، برازش مدل در جدول زیر قابل ملاحظه است:

جدول ۶- مربوط به شاخص کای اسکوتر (CMIN)

شاخص	NPAP	CMIN	P	CMIN/DF
مقدار	۲۷	۷۳,۴۲	۰,۰۷۴	۱,۸۸

جدول فوق، حاکی از برازش خوب مدل می‌باشد.

تحلیل داده‌های پرسشنامه ۱- سنجش وضعیت قبل و بعد از مهاجرت مهاجران به روستا) جدول شماره ۷- محاسبه آماره‌های مربوط به تحلیل داده‌ها پرسشنامه ۱

مؤلفه	وضعیت	میانگین	خطای استاندارد	آماره T
تغییرات اقتصادی	قبل	*۸۳/۱	۳۷۹/۰	۱۵/۴۶
	بعد	**۰۶/۴		
تغییرات اجتماعی	قبل	*۱۷/۲	۳۳۳/۰	۹۶/۴۴
	بعد	**۱۹/۳		
تغییرات فرهنگی	قبل	**۱۹/۳	۱۷/۲	۷۵/۱
	بعد	*۱۵/۲		
تغییرات سیاسی	قبل	*۵۰/۱	۴۰۹/۰	۸۰/۲
	بعد	**۶۵/۱		

* میانگین قبل از مهاجرت به روستا ** میانگین بعد از مهاجرت به روستا

منبع: مطالعات نگارنده، ۱۳۹۳

با توجه به توزیع پرسشنامه ۱ (سنجش وضعیت فردی قبل و بعد از مهاجرت به روستا) در بین مهاجران به روستا نتایج آزمون آماری T نشان می‌دهد که مهاجرت به روستاها در مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تأثیر مثبت به همراه داشته است و وضعیت

فردی و زندگی شخصی فرد مهاجر در این ابعاد بهبود یافته است و تنها در بعد و مؤلفه‌ی فرهنگی بیشتر به صورت کارکردی ضعیف بوده و افراد مهاجر تنها در این مؤلفه نه تنها احساس بهبود نداشته بلکه شرایط را نزدیک به بحران اعلام نموده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری:

با توجه به نزدیکی شهرهای تنکابن و رامسر به روستاهای خود و در هم تنیدگی آنان با هم مشاهده شد که این روستاهای متأثر شهرها تغییرات قابل ملاحظه‌ای در بعدهای توسعه‌ای داشته‌اند که در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش حاضر یعنی بررسی مهاجرت معکوس و تأثیر آن بر توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی و سیاسی در روستاهایی از شهرستانهای تنکابن و رامسر واقع در استان مازندران **تحلیل استنباطی** نشان می‌دهد که: مهاجرت به روستاها می‌تواند بر توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی و سیاسی روستاها تأثیر و کارکردی مثبت داشته باشد (تایید فرضیات ۱ و ۲ و ۴) ولی منجر به توسعه‌ی فرهنگی روستا نمی‌گردد و بیشتر تضادهای فرهنگی که نتیجه وجود خرده فرهنگهای مختلف می‌باشند و کارکردهای منفی در روستا را افزایش می‌دهد (رد فرضیه ۳) را شامل می‌گردد. در **تحلیل مقایسه‌ای دو پرسشنامه** نگارنده به این نتیجه رسید که مهاجرت معکوس نه تنها در روستا بلکه بر زندگی افراد مهاجر نیز تأثیرگذار است و طبق آمار به دست آمده نشان داده شد که این تأثیرات در توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی و سیاسی با کارکرد مثبت و در بخش فرهنگی کارکردی منفی داشته‌اند. با توجه به نظریات غالب تحقیق یعنی: نظریه کارکردگرایی که بر تغییرات کارکردی محل مقصد پس از مهاجرت تأکید داشته و مهاجرت را عنصر الزامی برای برقراری تعادل جامعه می‌دانند و مهاجرت را زمینه‌ی بهبود وضعیت زندگی می‌دانند دیده شد که در تحقیق حاضر نیز مهاجرت معکوس با ایجاد رشد جمعیت در روستا و تغییرات مثبت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی باعث بهبود وضعیت روستا و فرد مهاجر شده است. می‌توان گفت که لازمه‌ی رسیدن جامعه‌ی روستایی به رشد اقتصادی و اجتماعی، پذیرش تغییرات پیش روی پس از مهاجرت‌های معکوس و پذیرش فرد مهاجر است و آن نیز در گرو رسیدن روستا به یک تعادل است. بنابراین می‌توان ادعا نمود که می‌توان نظریات کارکردگرایان را درباره‌ی

مهاجرت معکوس نیز به کار برد و این نظریه تأیید می‌گردد و طبق نظریه‌ی چرخه‌ی حیات بین توسعه‌یافتگی و تغییر جمعیت و ساخت روستا رابطه‌ی معناداری وجود دارد و دیگر اینکه روستاها پس از گذراندن مرحله‌ی پیدایش، مرحله‌ی رشد صعودی را در پیش می‌گیرند در این مرحله رونق اقتصادی، افزایش امید به زندگی و احیاناً جذب مهاجر باعث افزایش تعداد جمعیت می‌شود. بعضی از روستاها، با ادامه‌ی روند جذب جمعیت و یا ادغام با روستاهای دیگر، همچنان این مرحله را ادامه می‌دهند تا سرانجام بدون گذر از یک دوره‌ی حیات، دوران جدیدی از روند تکاملی خود را به صورت شهر آغاز کنند و یا با تغییر کارکرد اقتصادی به شکل روستای گردشگری و یا مکان تولیدی، مرحله‌ی جدیدی از حیات خود را آغاز می‌کنند دیده می‌شود که روستاهای مورد مطالعه تحت تأثیر مهاجرت معکوس (رشد جمعیت) و تغییرات مثبت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی که داشته‌اند، دلیلی بر ادامه‌ی زندگی افراد در روستا واقع گردند. بنابراین، نظریه‌ی چرخه‌ی در تحقیق حاضر مورد تأیید قرار می‌گیرد. در عین حال با توجه به **نظریه‌ی درآمد انتظاری** باید به این نکته توجه نمود که شهرهای تنکابن و رامسر بیشتر از بافت روستایی تشکیل شده‌اند و رابطه‌ی بسیار نزدیک با یکدیگر دارند و مهاجران بیشتر علاقه‌مند به زندگی در این مناطق می‌باشند. براساس نظریه‌ی ارائه شده نتیجه‌ی حاصله آن است که شهرنشینان وقتی در شرایطی (در روستا) هم‌وزن شرایط کنونی خودشان (در شهر) قرار می‌گیرند و در عین حال می‌توانند از آرامش و هوای سالم تغذیه جسمی و روحی مناسب داشته باشند، روستاها را جایگاهی بهتر در نظر خواهند گرفت پیامد مهاجرت معکوس شکل می‌گیرد. بنابراین کم شدن فاصله و مسافت شهرها و روستاها از نظر جغرافیایی و بسط راه‌ها و جاده‌های ارتباطی و رشد شرایط اقتصادی در روستاها و توسعه‌ی روستایی نیز می‌تواند دلیلی بر مهاجرت معکوس در روستاهای مورد نظر باشد. در مدل جاذبه و دافعه‌ی اورت سی لی نیز، اختلافات توسعه و سطح زندگی میان مراکز مهاجرفرست و مهاجرپذیر سبب دفع از منطقه و جذب به سوی منطقه‌ای دیگر می‌گردد. در این مدل فاصله‌ی جغرافیایی بسیار دارای اهمیت بوده و هرچه مسافت کمتر باشد،

مهاجرت بیشتر انجام می شود و از آنجایی که روستاهای شهرستانهای تنکابن و رامسر فاصله بسیار کمی از هم دارند نیز مهاجرت معکوس به آنان بیشتر است. و با توجه به نظریه‌ی توسعه روستایی، نگارنده معتقد است که : طبق نظر "مایکل تودار، باید تعادل بهتری بین توسعه‌ی روستایی و شهری ایجاد شود، زیرا شهرهای کوچکی که روستاهای بیشمار و نزدیک به خود دارند، بسیار متأثر از همند و حفظ تعادل در برنامه‌ریزی‌های دولتی می‌تواند تأثیر جدی در بهبود شرایط توسعه‌ای هر دو داشته باشد اما در پژوهش انجام شده دیده شد که کاهش کشاورزی در روستاهای مذکور با رشد بخش صنعتی و خدماتی جایگزین شده است که البته دلیلی بر توسعه‌ی روستایی به حساب آمده‌اند. پرداختن به مسائل توسعه‌ی روستایی، روستاهایی که بسیار به شهرها نزدیک هستند، می‌تواند تأثیرات کوتاه‌مدت و یا بلندمدت و مثبت و منفی بر شهر نیز بگذارد. بنابراین نیاز به توجه و بررسی آن در زمینه‌های مختلف، مخصوصاً اثراتی که مهاجرت‌های معکوس بر آنها خواهند گذاشت، متعاقباً پژوهش‌های متعددی را خواهد طلبید.

منابع:

- اردستانی، محسن. (۱۳۸۷). مبانی گردشگری روستایی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: کلمه.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: نشر کیهان.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و رجبی سناجردی، حسین. (۱۳۸۲). نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران: انتشارات سمت.
- پاتر. ب. رابرت و ایونز. سلی لویید. (۱۳۸۴). شهر در جهان در حال توسعه، ترجمه کیومرث ایراندوست و دیگران، تهران: انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاری‌ها.
- دیانی، لیلا. طاهرخانی، مهدی. رکن الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۸۶). زمینه‌یابی اسکان مجدد مهاجران روستایی: مطالعه‌ی موردی مهاجران زیر پوشش کمیته‌ی امداد امام خمینی شهرستان پاکدشت. فصلنامه‌ی روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره‌ی ۲، تابستان ۱۳۸۷، صفحات ۱۱۹.
- ربانی، رسول. طاهری، زهرا. روستا، زهرا. (۱۳۹۰). بررسی علل انگیزه‌های مهاجرت معکوس و تأثیر آن بر توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی در روستاهای اطراف شهرستان‌های تنکابن و رامسر، مجله‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری اصفهان، سال دوم، شماره‌ی پنجم، تابستان ۱۳۹۰.
- رضوانی، محمدرضا. مطیعی لنگرودی، حسن. قدیری معصوم، مجتبی. نظری، عبدالحمید. صحنه. (۱۳۹۰). تأثیر بازگشت مهاجران به روستاها در بهبود معیشت ساکنان (مطالعه‌ی موردی: شهرستان آق قلا)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، جلد اول، شماره‌ی ۷۸، صص ۶۷-۸۳.
- روابط عمومی اداره‌ی فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان تنکابن ۹۰-۱۳۸۸.
- روابط عمومی اداره‌ی فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان رامسر، ۱۳۸۸-۱۳۹۰.
- شیعه، اسماعیل. (۱۳۷۶). مقدم‌های بر مبانی برنامه‌ریزی شهری، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

- ظاهری، محمد. (۱۳۹۰). تحلیلی بر تأثیرات متقابل فضایی کلانشهر تبریز و روستاهای خوابگاهی پیرامون با تأکید بر مهاجرت معکوس و عوامل تأثیرگذار بر آن. فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۶، شماره‌ی سوم، پاییز ۱۳۹۰، شماره‌ی پیاپی ۱۰۲.
- کاظمی پور، شهلا؛ قاسمی اردهایی، علی. (۱۳۸۶). تجربه اقامتی و تمایل به مهاجرت به شهر تهران، نامه‌ی انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال دوم، شماره‌ی ۳، تابستان ۱۳۸۶.
- فتحی، سروش. مطلق، معصومه. (۱۳۸۹). رویکرد نظری بر توسعه‌ی پایدار روستایی مبتنی بر فن آوری اطلاعات و ارتباطات.
- فرجادی، غلامعلی. (۱۳۸۲). مهاجرت و اشتغال در استان تهران، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران.
- فرید، یدالله. (۱۳۸۴). کاربرد جغرافیا در روش تحقیق شهر و روستا، تبریز: دانشگاه تبریز.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۷۹). از فرهنگ تا توسعه، تهران: انتشارات فردوسی.
- فیروزنیا، قدیر. (۱۳۸۵). تبیین استمرار کارکرد اقتصادی روستاهای در معرض تخلیه‌ی جمعیتی شهرستان قزوین، رساله‌ی دکتری در رشته‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده‌ی علوم زمین.
- مرکز آمار ایران - مهاجرت‌های استانی ۱۳۵۵-۱۳۸۵
- مرکز آمار ایران، نتایج و داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵-۱۳۹۰
- نظربور، محمدنقی. (۱۳۷۸). ارزشها و توسعه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- Center for Development Research (ZEF) (2005), "New patterns in the human migration in West Africa; Adama Konseiga: regional integration beyond the traditional trade benefits: labor mobility contribution". Junior Research Fellow, University of Bonn (Germany), in: Development Economics and Policy Series. Vol. 46.
- Dustmann, C. & Yoram W., 2007, Return Migration: Theory and Empirical Evidence Centre for Research and Analysis of Migration, Department of Economics, University College of London.
- Gordon F. De Jong & Marilou, C. & Legazpi, B., 1994, Occupational Status of Rural Out-Migrants and Return Migrants, Rural Sociology, Vol.59, PP. 693-707.
- Jialu, L., 2009, Human Capital, Returning Migration and Rural Entrepreneurship in China, Department of Economics, Indiana University, Wylie Hall, Bloomington, IN 47405, USA.

- lie, b (1975) differential net migration rates and the quality of life, the review of economics and statistics. 53 (3), 329-337
- lower. Joshua j , gail pacheco and Stephanie rossouw (2009) do non – economic quality of life factors drive immigration? 1za dp no 4385 august 2009.
- Okali, David; Okpara, Enoch; and Olawoye, Janice (2001), “Rural-urban interactions and livelihood strategies series: the case of Aba and its region, Southeastern Nigeria”. Working paper 4, International Institute for Environment and Development (IIED), Human Settlements Programme, London.
- Phillips, Joal L. and Potter, Robert B. (2003), “Social dynamics of ‘foreignborn’ and ‘young’ returning nationals to the Caribbean: a review of the literature”, Geographical Paper. No. 167.
- Wang, Wenfie Winnie (2004), “Urban-rural return labor migration in China: a case study of Sichuan and Anhui provinces”. Department of Geography UCLA. Available on:
- Zohry, Osman (2003), “Rural-urban migration in Egypt and other developing countries: a statistical and literature review”. Available on: